

## الگوسازی مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران براساس آموزه های انقلاب اسلامی

یوسف ترابی<sup>۱</sup>

اسماعیل اسفندیاری<sup>۲</sup>

علیرضا زرگر<sup>۲</sup>

### چکیده

مقاله حاضر تلاشی برای استخراج الگوی مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای ظرفیت‌های خوبی برای مدیریت تنوعات، شکاف‌های قومی و اجتماعی است و قانون‌گذار با ادبیاتی انسانی، اسلامی، عادلانه و مترقی که برگرفته از آموزه‌های توحیدی قرآن کریم و سیره درخشان پیامبر اکرم (ص) می‌باشد، زمینه‌های مناسبی را برای برطرف کردن شکاف‌های قومی در ایران فراهم کرده است. این مقاله از نوع تحقیقات کاربردی، اکتشافی و کیفی است که با استفاده از روش تحلیل محتوای اسنادی با تأکید بر محتوای قانون اساسی و تکنیک‌های اسنادی - کتابخانه‌ای انجام شده است. با تأکید بر پنج رویکرد حقوقی، دینی و مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، الگوی مدیریتی با نگاه به ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی جمهوری ایران در حوزه راهبردی مدیریت شکاف‌ها، تنوعات قومی و اجتماعی که رویکردی مبتنی بر وحدت‌گرایانه اسلامی تلقی می‌شود، ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تنوع قومی، تنوع اجتماعی، مدیریت تنوعات اجتماعی، جمهوری اسلامی ایران، شکاف قومی، حقوق اساسی.

**Email:** utorabi14@gmail.com

**Email:** esfandyari@isu.ac.ir

**Email:** zargar1976@gmail.com

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه انتظامی امین (نویسنده مسئول)

۲. دانش‌آموخته دانشگاه شاهد

۳. استادیار علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین

## مقدمه

مدیریت شکاف‌ها، تنوعات قومی و اجتماعی مبحثی است که از دوران رژیم پهلوی از دغدغه‌های مهم حکمرانی در ایران به حساب می‌آید، اما نکته‌ای که باید تأکید شود این است که با پیروزی انقلاب اسلامی و وجود فرازونشیب‌ها و بحران‌های قومی که عمدتاً به دلیل اعمال تبعیض‌های ناروا در عصر پهلوی و پس از آن توسط مداخلات آمریکا و گروهک‌های ضد انقلاب به وجود آمد، رویکرد نظری قانون اساسی ایران نسبت به مسئله مدیریت اقوام و تنوعات اجتماعی، شکاف‌های قومی و مذهبی نسبت به رژیم سابق، دچار تغییرات اساسی شد؛ به طوری که دیگر از الگوهای همانندساز - که در آن به تنوعات قومی به عنوان یک تهدید نگاه می‌شود و ذیل تأکید بر ناسیونالیسم ایرانی همواره سعی می‌شد این تنوعات یا نادیده گرفته شود و یا به شدت سرکوب شود (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۲-۳) - پیگیری نشد. برعکس در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حداقل در سیزده اصل به صورت مستقیم و غیرمستقیم حقوق اقلیت‌ها مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. (مقصودی، ۱۳۷۹: ۱۳۹)

مسئله‌ای که این تحقیق به دنبال بررسی آن است، مشکلات ناشی از عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانون اساسی کشور در مدیریت شکاف‌ها، تنوعات قومی و اجتماعی و تلاش برای یافتن الگویی مبتنی بر ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور بهینه کردن مدیریت تنوعات و شکاف‌های قومی و اجتماعی و کاهش نارضایتی‌های اقوام و پیروان مذاهب مختلف است. در خصوص مباحث مربوط به قومیت، تنوعات اجتماعی و مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی در ایران، پژوهش‌های متعددی انجام شده است، لکن جای یک پژوهش که عناصر مفهومی مورد اشاره در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران را به صورت اجزاء یک کل - الگوی مستفاد از قانون اساسی ایران ناظر به مسئله مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی - مورد مذاقه قرار دهد، خالی است. در این تحقیق سعی شده است؛ اولاً، مفاهیم مرتبط با مبحث تنوعات قومی و اجتماعی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استخراج شوند. ثانیاً، بدون تحمیل هیچ کدام از نظریات و الگوهای مطرح در خصوص سیاست‌گذاری یا مدیریت تنوعات قومی بر قانون اساسی، صرفاً مفاهیم استخراج شده از متن قانون اساسی نیز دسته‌بندی، مفصل‌بندی و الگویی از مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی از دل آن استخراج شود و نهایتاً، با توجه به مفاهیم برآمده از قانون اساسی، الگوی استخراج شده با برخی از الگوهای مطرح بومی مقایسه شود.

باور محققان بر این است که اگر با پیش فرض نظری و با استفاده از برخی چارچوب‌های نظری مطرح در خصوص مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی به قانون اساسی مراجعه شود، از دو

جهت حتماً تحلیل دچار مشکل خواهد شد؛ اولاً، روند تحقیق به سمت نوعی تحلیل مبتنی بر پیش‌داوری سوق پیدا خواهد کرد. ثانیاً، با توجه به ادبیات غیربومی موجود، صورت‌بندی الگوی کارآمد و بهینه مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی در حقوق اساسی ایران محقق نخواهد شد. با توجه به موارد فوق، هدف اصلی تحقیق عبارت از ارائه‌ی الگوی مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی مبتنی بر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران است و سؤال‌های مرتبط با هدف ترسیم شده بالا عبارت‌اند از: ظرفیت‌های حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی مدیریت قومیت‌ها و تنوعات اجتماعی کدامند؟ و رویکردهای دخیل در ارائه‌ی الگوی مدیریت اقوام و تنوعات اجتماعی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی کدامند؟

### ۱- پیشینه پژوهش

در پژوهش‌هایی که به واکاوی ظرفیت‌های قانون اساسی یا سایر اسناد بالادستی در برخی از سیاست‌گذاری‌های کلان سیاسی و اجتماعی می‌پردازند، در نظر گرفتن دو نکته بسیار حائز اهمیت است؛ اول اینکه قانون اساسی و اسناد بالادستی چون دارای مفاهیم کلی و فارغ از جزئیات هستند همواره برداشت‌های متفاوتی از آن‌ها صورت می‌گیرد، این تحقیق نیز خالی از این نکته نیست. ثانیاً، پژوهش‌هایی از این دست ذاتاً نظری هستند و در مقام نقد نباید آن‌ها را با برداشت‌های رایج و عملیاتی شده از قانون اساسی مقایسه کرد، چه بسا اصولی از قانون اساسی که هیچ‌گاه رنگ عمل به خود نگرفته‌اند و یا برداشت‌های تقلیل‌گرایانه و خاص از آن‌ها شده است.

نوآوری نویسندگان در این مقاله ارائه الگوی استفاد از حقوق اساسی ایران ناظر به مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران است، موضوعی که در اغلب تحقیقات در حاشیه سایر مسائل به آن اشاره گذرا شده و به‌عنوان یک موضوع مستقل کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. واقعیت این است که قانون اساسی، مادر و منشأ دیگر قوانین کشور است. انصاف حکم می‌کند قبل از درگیر شدن در الگوهای سیاست‌گذاری قومی، و قبل از حرکت به سمت طرح‌ریزی‌های عملیاتی در سطوح مختلف برای مدیریت بحران‌های قومی، تلاشی علمی و مبسوط با تمرکز بر قانون اساسی کشور صورت پذیرد. این تحقیق می‌تواند دست‌مایه تحقیقات مفصل بعدی قرار گیرد؛ زیرا تفصیل و مصداق‌یابی هر یک از بندهای استخراج‌شده و مفصل‌بندی شده ذیل الگو نیاز به تلاشی جداگانه دارد. در زمینه مطالعات قومی در ایران مقالات و کتاب‌هایی به رشته تحریر در آمده است که به دو نمونه مقاله و یک کتاب به اختصار اشاره می‌شود؛

الف. جعفر حق‌پناه در مقاله خود با عنوان «سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران؛ چگونگی، فرایند و عوامل مؤثر بر تدوین» به دو دسته متغیرهای مؤثر بر تدوین سیاست قومی یعنی دولت و جامعه اشاره کرده است. ایشان در بخش متغیرهای زیر مجموعه دولت، در کنار سایر متغیرها به ساختار حقوقی اشاره کرده است (حق‌پناه، ۱۳۹۴؛ ۷۲)، اما به صورت اجمال و کلی به برخی نمودهای کلی سیاست قومی در قانون اساسی اشاره کرده است: مواردی از قبیل تمرکزگرایی (همان؛ ۷۴) و دیدگاه‌های امنیتی حاکم. (همان؛ ۸۱) اما روش نویسنده تمرکز در قانون اساسی برای بیرون کشیدن یک مدل مبتنی بر ظرفیت‌های آن نیست. اما نکته مهمی که نگارنده مزبور به آن تاکید دارد، نبود یک سیاست قومی مدون در ادوار مختلف و روش انفعالی و اقتضایی دولت‌ها برای مدیریت اقوام بر اساس تهدیدهای داخلی و سوء استفاده‌های خارجی و وضعیت‌های بحرانی بوده است. این مسئله در واقع به نیازمندی حاکمیت به یک الگوی مناسب کاربردی مبتنی بر عدالت و انصاف بر اساس ظرفیت‌های قانون اساسی تاکید تلویحی دارد.

ب. حمید هوشنگی در مقاله مستخرج از رساله دکتری خود با عنوان «سیاست‌گذاری تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران؛ چشم‌انداز، اهداف و سیاست‌های پیشنهادی» سعی نموده است به مسئله قومیت به عنوان فرصت نگاه کند و چینی علمی و مفصل‌بندی مطالب خود را با این پیش‌فرض مطرح نماید. از این‌رو، به طرح دیدگاه‌های رقیب پرداخته و سعی داشته است آن‌ها را نقد نماید. ایشان ذیل بحث شناسایی چشم‌اندازها و اهداف جمهوری اسلامی ایران برای سیاست‌گذاری تنوع، برای استخراج چشم‌اندازها و اهداف نیز به فرمایشات رهبران انقلاب اسلامی، اسناد بالادستی نظیر سند چشم‌انداز بیست‌ساله و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رجوع کرده است، اما عمیق و مفصل به قانون اساسی و مواد تصریحی آن در جهت نیل به یک الگوی مستفاد قدم برنداشته است. (سیدامامی و هوشنگی، ۱۳۹۵؛ ۱۵)

پ. دکتر صالحی امیری در کتاب «مدیریت منازعات قومی در ایران» (۱۳۸۸) با توجه به رویکردها و نظریه‌های گوناگون در خصوص شکاف‌های قومی، مذهبی و با مطالعه ریشه‌های شکل‌گیری اختلاف‌ها و تعارض‌های قومی در ایران تلاش کرده است با توجه به رویکردهای نظری و استفاده از ظرفیت‌های حقوقی موجود در آموزه‌های اسلامی با به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و تمایزهای قومی و مذهبی در جمهوری اسلامی ایران، مدیریتی براساس رویکرد وحدت‌گرا برای مدیریت تعارض‌های قومی در کشور ارائه نماید.

## ۲- چارچوب نظری

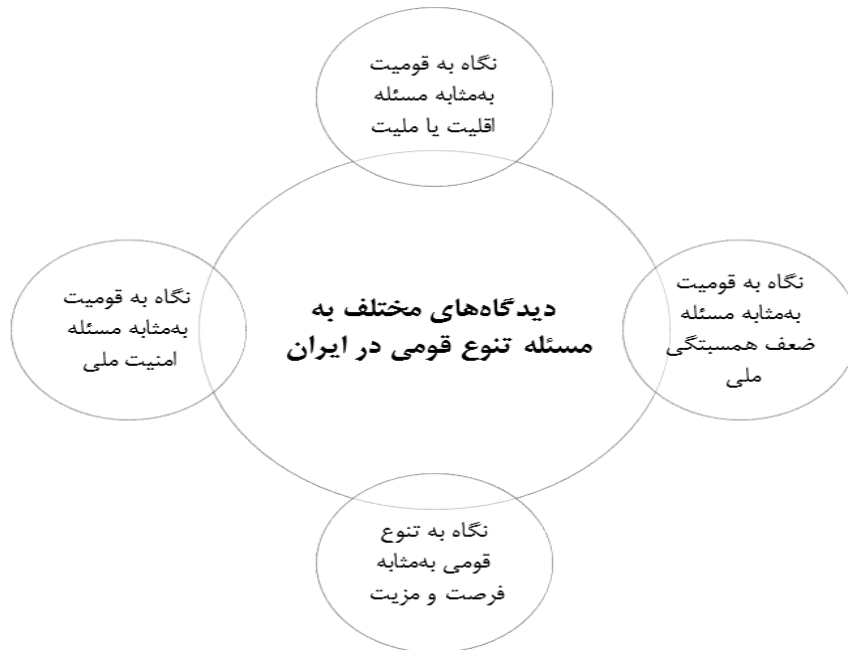
### ۱-۲. نظریه‌ها

در ابتدا ضرورت دارد تعریف مشخصی از مفاهیم اصلی پژوهش یعنی تنوع قومی و تنوع اجتماعی ایراد شود، زیرا از منظر نظری و فرآنظری در علوم انسانی کلمات دارای بار منفی یا مثبت هستند و برداشت‌های متعددی از مفاهیم صورت می‌گیرد. از طرف دیگر لازم است برای جلوگیری از گسترش بی‌حدومرز مباحث، از پراکنده‌گویی‌های احتمالی جلوگیری کنیم. از این رو ضرورت دارد موضع پژوهشگر در تعریف خود از مفاهیم مشخص شود.

مفاهیم و رویکردهای نظری بسیاری در خصوص تنوعات قومی و مدیریت آن مطرح شده است، رویکردهایی از قبیل روش سلطه با هدف یکسان‌سازی (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۷۹)، تکثرگرایی (همان: ۹۱)، مدل وحدت در کثرت. (همان: ۱۰۴) هر یک از مدل‌های بالا انواعی دارد. همچنین در مورد ریشه‌های سیاسی، جامعه‌شناختی، اقتصادی و فرهنگی آن نیز نظریات متعددی مطرح شده است؛ اما اگر به صورت تئوریک و ناظر به طرح مسئله تنوعات قومی، مذهبی و فرهنگی در ایران به مسئله نگاه کنیم. در مجموع می‌توان چهار نوع نگاه به تبیین مسئله تنوع قومی در ایران را مورد شناسایی قرار داد: یکی از آفت‌های موجود در پژوهش‌هایی از این دست، استفاده از ادبیات غیربومی است که بعضاً با فرهنگ، هویت، مذهب، رسوم، سنت‌ها، میراث فرهنگی و عقبه تاریخی مسائل قومی در ایران تفاوت اساسی دارد. به عنوان مثال، برداشت از قومیت به عنوان اقلیت یا ملیت (کهنه‌پوشی، ۱۳۸۳: ۵۵) نوعی نگاه افراطی با ادبیات غربی است که اساساً به مقوله قومیت به عنوان تهدید نگاه می‌کند. نگاه دیگری که در این خصوص وجود دارد، پرداختن به مسئله قومیت به عنوان مسئله امنیت ملی است؛ (سیدامامی و هوشنگی، ۱۳۹۵: ۵) در این نگاه از مفهوم اقلیت به آن از منظری امنیتی نگاه می‌شود. یکی دیگر از دیدگاه‌های سلبی به مقوله تنوع قومی پیش فرض گرفتن مسئله کاستی‌ها و ضعف همبستگی ملی و طرح راه‌حل‌هایی برای ترمیم ضعف‌های موجود در مسیر تقویت همبستگی ملی است. (زندى، ۱۳۸۰: ۴۸-۵۳)

در مقابل نگاه‌های سلبی مذکور، دیدگاه‌های ایجابی دیگری وجود دارد که به مسئله قومیت به دیده فرصت و مزیت نگاه می‌کند و اساساً نگاه امنیتی غالب نیست. تأکید بر رویکرد بومی "تکثرگرایی وحدت‌طلب دینی" در مقاله «سیاست‌های جمهوری اسلامی در تنوعات اجتماعی» مندرج در کتاب «سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران» (ترابی، ۱۳۹۰) نمونه‌ای از این

رویکرد مزبور می‌باشد. با توجه به مسائل ذکرشده در بالا، سعی می‌شود تعریف مشخصی از سه کلیدواژه اصلی پژوهش در ابتدای امر طرح شود.



شکل شماره ۱. دیدگاه‌های چهارگانه به مسئله تنوع قومی در ایران

## ۲-۲. تنوع قومی

قوم یا گروه نژادی، گروهی از انسان‌ها هستند که اعضای آن دارای ویژگی‌های مشخص، اصیل و نسبتاً یکسانی هستند. جمعیت قومی مشترکات فرهنگی، زبانی، سیاسی و مذهبی دارند که در مواردی ممکن است با جمعیت قومی اکثریت مشترک یا نسبتاً مشترک باشد و در زمینه‌هایی آشکار متفاوت باشد، مشترکاتی که ذکر آن رفت می‌تواند دارای عقبه تاریخی طولانی‌مدت باشد و گاه ممکن است به‌صورت نوظهور و در اثر عوامل خارجی یا متأخر ایجاد شده باشد. (کازمی‌تاری، ۱۳۸۹: ۲۴) در این تحقیق از خرده‌فرهنگ‌ها و گویش‌ها و... صرف‌نظر شده است و تأکید اصلی بر آن دسته از گروه‌های قومی است که امروز برای کلیت نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان مسئله مطرح است. به‌عنوان مثال، قوم تالش از اقوام دارای دنباله جمعیتی در ورای مرزهای ایران در جمهوری آذربایجان است، اما از آنجا که به صراحت همه تالشی‌های ساکن ایران و حتی ساکن

کشور آذربایجان خود را ایرانی می‌دانند، با وجود اینکه برخی از آن‌ها اهل سنت هستند، صرف‌نظر از برخی مسائل، در کل برای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مسئله و دغدغه قومی مطرح نبوده‌اند. اما به صراحت قومیت‌های زبانی شامل کردها، عرب‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و تا حدودی آذری‌ها همواره جزئی از دغدغه سیاستگذاران قومی در ایران بوده‌اند. در این مقاله منظور از تنوع قومی تأکید بر تنوعی از قومیت‌ها است که به دلیل تفاوت‌های زبانی، مذهبی و بعضاً نژادی، خود را متفاوت از دیگران تلقی کرده و به نوعی احساس تبعیض و محرومیت می‌کنند که این احساس وجود تبعیض و محرومیت به پیدایش چالش‌های سیاسی و امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران منجر می‌شود.

### ۳-۲. تنوع اجتماعی

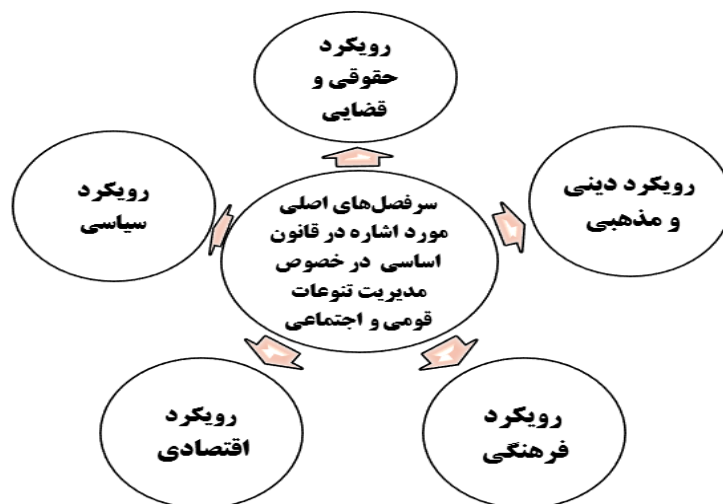
مقصود از تنوع اجتماعی، تنوع و تمایزات قومی، مذهبی، دینی، نژادی و فرهنگی است که در قالب تفاوت‌های متعلق به قومیت‌های مختلف و نیز مذاهب متنوع و گوناگون بروز و ظهور می‌یابد. (ترابی، ۱۳۸۸: ۴) در واقع مباحث مربوط به تنوعات قومی به‌نوعی زیرمجموعه تنوعات اجتماعی محسوب می‌شود، از آنجاکه بحث تنوعات قومی در ایران بحثی ناهمگون است، شاید کاربرد مفهوم تنوعات اجتماعی دقیق‌تر باشد. توضیح بیشتر اینکه برخی از اقلیت‌های قومی در ایران از حیث نژاد، تاریخ مشترک و حتی زبان به وجود پیوستگی تاریخی و فرهنگی، امروز به‌عنوان اقلیت قومی شناخته می‌شوند. اگرچه این مسئله ظاهراً مناقشه‌انگیز می‌باشد اما برخی از قومیت‌شناسان، مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان و تاریخ‌دانان این جمعیت را هرگز جدا از گروه قومی اکثریت به حساب نمی‌آورند، مثل نسبت کردها، لک‌ها و هورامی‌ها با فارسی‌زبانان. از طرف دیگر، در برخی از نقاط اقلیت‌هایی وجود دارند که محور اصلی عدم تجانس آن‌ها با مرکز صرفاً مذهبی است و عدم تجانس زبانی و قومی به‌عنوان مسئله‌ای دست‌دوم و ثانویه مطرح است مثل مناطق بلوچ‌نشین. مباحثی از این دست محققان را به این سمت رهنمون می‌سازد که به‌جای صحبت از اقلیت‌های قومی، مذهبی و نژادی، بحث تنوعات اجتماعی را مطرح نمایند.

### ۴-۲. مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی

مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی عبارت است از: پیش‌بینی سازوکارها و اقدامات تأثیرگذار مبتنی بر عقلانیت در فرایند تأمین حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی به منظور ارتقاء سطح همبستگی ملی و وحدت در میان اقوام مختلف در قلمرو سرزمینی یک کشور از سوی نظام سیاسی حاکم. (ترابی، ۱۳۹۰)

### ۳- رویکردهای مستفاد از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در این بخش پنج رویکرد حقوقی، سیاسی، دینی و مذهبی، فرهنگی و اقتصادی قانون اساسی نسبت به مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی در ایران استخراج شده است. از آنجا که متصدیان مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران نهادهای گوناگون دولتی و حاکمیتی با کارکردهای مختلف هستند، این سبک دسته‌بندی نیز بستر مناسب را برای یک الگوی عملیاتی و اجرایی کارآمد رهنمون می‌سازد، زیرا در نظام جمهوری اسلامی نهادهای متعددی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در فرایند مدیریت تنوعات قومی مؤثر هستند و این دسته‌بندی در الگوی کلی مستفاد، جایگاه و کارکردهای هر یک از دستگاه‌ها را مشخص خواهد کرد و مانع هرگونه پراکنده‌گویی و کلی‌گویی خواهد شد.



شکل شماره ۲. دسته‌بندی مفاهیم مستفاد از قانون اساسی ناظر به مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی

#### ۱-۳. رویکرد حقوقی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ حقوقی؛ اولاً، هیچ تفاوت و تبعیض قانونی و ساختاری بین اقوام ایرانی قائل نشده است. ثانیاً، آشکارا و به صراحت با هرگونه تبعیض حقوقی، کیفی و قضایی به مخالفت پرداخته است. در نظر گرفتن و اجرایی کردن این بندها در واقع صیانت و حمایت از اعتماد مردم و سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی است. بدیهی است که برای طرح‌ریزی یک الگوی عملیاتی لازم است از این



دیدگاه‌های نظری و انتزاعی عبور کرد، اما نکته‌ای که در این تحقیق باید به آن تأکید کرد این است که موارد بالا راهنمای هر الگوی عملی و کاربردی است.

جدول شماره ۱. رویکرد حقوقی و قضایی مستفاد از قانون اساسی ناظر به مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی	
۱	تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون اصل ۲
۲	حقوق مساوی مردم ایران از هر قوم و قبیله و تأکید بر اینکه رنگ، نژاد و زبان سبب امتیاز نخواهد بود. اصل ۱۹
۳	اصل بر برائت و مصون بودن مال، جان، حیثیت همه آحاد ملت مگر در مواردی که قانون مشخص می‌کند. اصل ۲۲

### ۲-۳. رویکرد سیاسی

نظام جمهوری اسلامی ایران که یک نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و اسلامی است، علی‌رغم صبغه شیعی خود، از منظری سیاسی نگاهی توأم با تسامح و تساهل و انسانی نسبت به همه اقوام و تنوعات اجتماعی دارد. قانون اساسی مدیریت محلی را در قالب قانون شوراها به هر استان و منطقه تفویض کرده‌است. مشارکت و حمایت هر یک از اقوام در جریان همه انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده، همواره مهم و تأثیرگذار بوده است.

حق رأی و انتخاب کردن و حق انتخاب شدن در نهادهای ملی چون مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری عملاً هم باعث مشارکت نخبگان اقوام در بالاترین سطوح سیاسی کشور خواهد شد و فرصت مناسبی برای احقاق حقوق و شنیده شدن مطالبات و صدای آن‌ها در اختیار اقوام قرار می‌دهد.

به جز اصل ۱۱۵ قانون اساسی که شرط معتقد بودن به مذهب رسمی کشور را جزء ویژگی‌های رئیس‌جمهور قرار داده است، حتی در شهرهای چند قومی که جمعیت توأمان شیعی و سنی وجود دارد، قانون هیچ‌گونه برتری به معتقدین مذهب رسمی کشور نداده است. تجارب ارزشمند اجرایی شدن قانون شوراها در شهر و روستا در طی بیش از دو دهه اخیر در ایران شایان توجه است. کما اینکه در برخی از شهرهای چند قومی مانند ارومیه شاهد انتخاب و برگزیده شدن برداران کرد اهل سنت به‌عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی هستیم.

جدول شماره ۲. رویکرد سیاسی مستفاد از قانون اساسی ناظر به مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی		
۱	قانون اساسی منافی هرگونه استبداد، ستمگری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط، عدل و... است.	اصل ۲
۲	اعطای حق مشارکت سیاسی در جریان همه انتخابات برای همه آحاد ملت.	اصل ۲
۳	رفع تبعیضات ناروا.	اصل ۲
۴	احزاب، جمعیت‌های انجمن‌های سیاسی و صنفی مشروط به عدم نقض اصول آزادی و اساس جمهوری اسلامی آزادند.	اصل ۲۶
۵	نمایندگان مجلس در اظهارنظر و رأی خود آزادند (نمایندگان سایر قومیت‌ها هرگز در قانون اساسی استثنا نشده‌اند).	اصل ۸۶
۶	قانون شوراها و تفویض نسبی امور سیاسی به مردم در ده، بخش، شهر، شهرستان و استان هر منطقه.	اصل ۱۰۰

### ۳-۳. رویکرد دینی و مذهبی

شاید کثرت‌گرایانه‌ترین و پرتسامح‌ترین بخش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ناظر به مدیریت تنوعات قومی، بخش مربوط به نگاه قانون اساسی به مقوله دین و مذهب باشد؛ زیرا اولاً قانون اساسی تنوع دینی و مذهبی را به صراحت پذیرفته و به رسمیت شناخته است، حتی رسیدگی به احوالات شخصیه و امور حقوقی و قضایی را طبق هر دین و مذهب به پیروان آن‌ها واگذار کرده است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه نگاه همانندساز یا سلطه‌گرایانه‌ای نسبت به اقلیت‌های دینی و مذهبی روا نداشته و آن‌ها را در انجام مناسک دینی و شعائر مذهبی خود آزاد گذاشته است.

ذیل اصل سیزدهم تنها ادیان مسیحی، زرتشتی و یهودی به‌عنوان اقلیت دینی شناخته می‌شوند و قانون اساسی فرقه‌های انحرافی نوظهور (مانند بهائیت) و ساخته دستگاه‌های استعماری را هرگز به‌عنوان دین به رسمیت نمی‌شناسد؛ مختصری تحقیق در این خصوص حقانیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر عدم شناسایی این‌گونه ادیان مشخص خواهد کرد. (زاهدانی و سلامی، ۱۳۹۴: ۵۵) اما نکته مهمی که در این باب وجود دارد، نیاز به یک الگوی مناسب برای مدیریت این‌گونه تنوعات اجتماعی است؛ زیرا جمعیت چند ده‌هزار نفری (پایگاه جامع شناخت بهائیت، ۱۳۹۳) مزبور و سایر تنوعات اجتماعی مرتبط با ادیان نوظهور و... را نمی‌توان نادیده گرفت، آن‌ها نیز به لحاظ انسانی باید حقوقشان مد نظر قرار بگیرد. این الگو باید به‌صورتی باشد که اولاً بهانه‌ای برای موارد حقوق بشری به مخالفان انقلاب اسلامی داده نشود. ثانیاً حقوق

اولیه و طبیعی آن‌ها به‌عنوان نوع انسانی مخدوش نشود. ثالثاً، با مدیریتی خردمندانه و پرهیز از سختگیری افراطی، فعالیت‌های آن‌ها به سمت زیرزمینی شدن، معارضة مستقیم و غیرمستقیم و کمک به دشمنان انقلاب اسلامی حرکت نکند.

جدول شماره ۳. رویکرد دینی و مذهبی مستفاد از قانون اساسی ناظر به مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی	
۱	ایجاد امکانات عادلانه برای همه در زمینه‌های معنوی و مادی
۲	توسعه و تحکیم برابری اسلامی و تعاون عمومی میان همه مردم
۳	آزادی سایر مذاهب غیر از شیعه اثنی‌عشری در پیروی از مذهب خود در احوالات شخصی
۴	آزادی سایر ادیان شامل مسیحی، یهودی، زرتشتی در انجام مراسم دینی
۵	ضرورت رفتار حسنه براساس قسط و عدل اسلامی و رعایت حقوق انسانی نسبت به پیروان سایر ادیان
۶	ممنوعیت تفتیش عقاید
اصل ۲۳	

#### ۴-۳. رویکرد فرهنگی

حق استفاده از زبان و گویش بومی به‌عنوان کرسی درسی و نیز کاربرد آن در مطبوعات محلی از جمله بندهایی است که نهایت عقلانیت و تسامح رفتاری نظام جمهوری اسلامی در پذیرش و تحمل انواع زبان‌ها، گویش‌ها و فرهنگ را نشان می‌دهد، بسیاری از مواردی از این دست در کشورهای دیگر به این صراحت قانونی و با این حد از تسامح مورد اشاره قرار نگرفته است. (فضلی‌خانی، ۱۳۹۶: ۲۳) بدیهی است که در مقام اجرا ممکن است بسیاری از موارد مصرح در قانون اساسی معطل مانده باشند، اما غرض در این مقاله اشاره به ظرفیت‌های حقوقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که اجرای منطقی آن‌ها زمینه‌های افزایش روح امید، همبستگی، وفاق ملی و برادری را در کشور فراهم خواهد کرد.

جدول شماره ۴. رویکرد فرهنگی مستفاد از قانون اساسی ناظر به مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی	
۱	آزاد بودن استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس در کنار زبان فارسی
۲	انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند؛ مشروط به اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی آزادی عمل دارند.
اصل ۲۶	

### ۵-۳. رویکرد اقتصادی

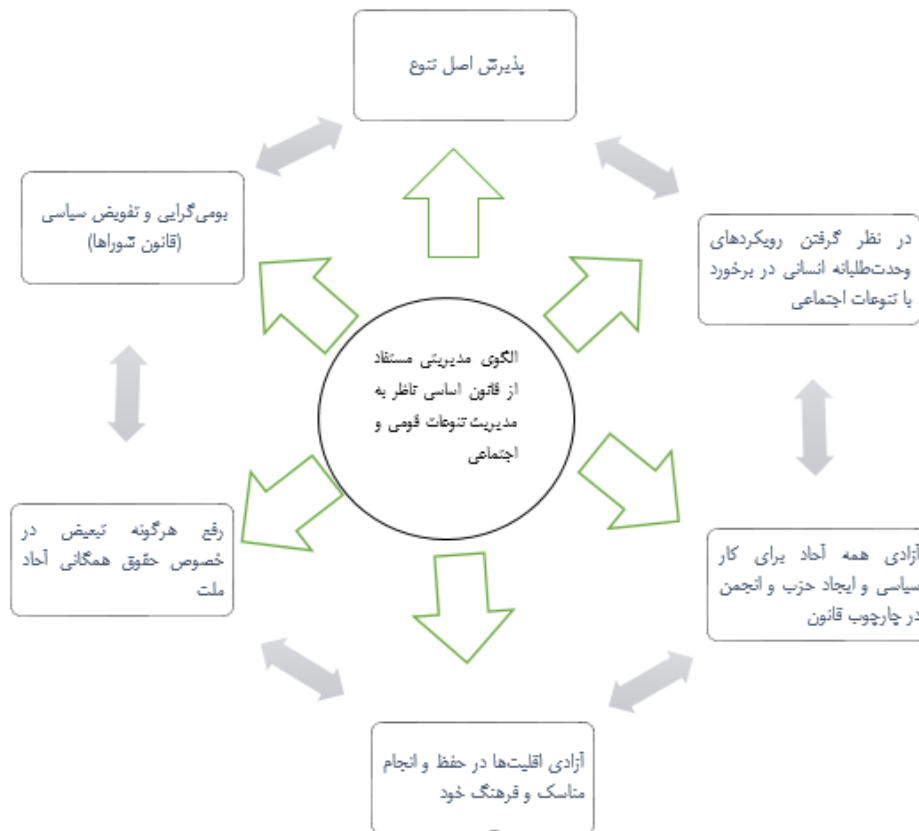
یکی از مواردی که برای هر نظام سیاسی، سرمایه اجتماعی تولید و حفظ می‌کند، توانایی نظام سیاسی در برقراری و ایجاد عدالت اقتصادی، عدالت توزیعی و خصوصاً توجه به اقشار ضعیف و محروم است. رویکرد عدالت‌طلبانه قانون اساسی ایران نسبت به تأمین حداقل‌های اقتصادی برای همه اقشار و آحاد ملت و نیز نگاه برابری‌خواهانه آن ستودنی است؛ درجه‌بندی شهروندان هیچ جایگاهی در حقوق اساسی ایران ندارد، قانون اساسی ایران تخصیص‌های تبعیض‌آمیز برای استان‌های مختلف را برنتابیده و صراحتاً خواستار رعایت عدالت توزیعی در این خصوص شده است. اما توانایی نهادهای اجرایی و برنامه‌های موجود برای تحقق این مسائل مهم ذکر شده و در برخی موارد هنوز تعدادی از استان‌های کشور از جهت عدالت توزیعی به نحو مطلوب مورد حمایت قرار نگرفته‌اند و هنوز آثار محرومیت در آن‌ها مشهود است.

جدول شماره ۵. رویکرد اقتصادی مستفاد از قانون اساسی ناظر به مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی	
۱	قانون اساسی منافی هرگونه انحصار اقتصادی است. اصل ۲
۲	برخورداری از تأمین اجتماعی، از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری و ... حقی است همگانی. اصل ۲۹
۳	قانونگذار آنجا که از تأمین نیازهای اساسی مانند مسکن، خوراک و ... بحث کرده، آشکارا همه آحاد را در نظر گرفته است. اصل ۴۳
۴	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نافی هرگونه تبعیض در تخصیص بودجه بین استان‌های مختلف است (عدالت توزیعی). اصل ۴۸

### ۴- ارائه الگوی پیشنهادی

بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیگیری نگرش این سند بالادستی به اقوام و تنوعات اجتماعی، نشان می‌دهد که قانون اساسی به تنوعات زبانی، مذهبی و دینی احترام گذاشته است و اساساً اصل تنوع را قبول دارد. علاوه بر این، با رویکردی مبتنی بر عدالت به دیده برابر به تنوعات قومی و مذهبی نگاه می‌کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در هیچ اصلی، بین آحاد ملت از نظر برخورداری از حقوق عمومی فرق نگذاشته است؛ اما در برخی از مسائل به صورت آشکار معیار اکثریت را مبنا قرار داده است و برخی اقلیت‌های دینی و مذهبی ملحوظ نظر قرار نگرفته‌اند، به عنوان مثال در ذکر ویژگی‌های رهبری و ریاست جمهوری، آشکارا اقلیت غیرمسلمان و مسلمانان غیرشیعه را از رسیدن به این مناصب مستثنی کرده است. اما صرف نظر از بحث مزبور

که طبیعتاً به دلیل اکثریت شیعی ملت ایران در قانون اساسی ذکر شده است، سایر موارد حاکی از نگاهی انسانی، توأم با تسامح و تساهل و برابری همراه با پیشنهادهای عملیاتی جهت سپردن امور مدیریتی و اجرایی به مردم هر منطقه است. قانون شوراها از جمله قوانین مترقی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که با دیدگاهی منطقی، کاربردی، تعادلی و میانه نه تمرکزگرایی صرف و نه فدرالیسم بلکه نوعی تمرکزگرایی همراه با تفویض امور عمومی قصد دارد از طرفی با اعمال حکومت مرکزی مانع تبعیضها شود، و از طرف دیگر با سهیم کردن و ایجاد بسترهای مناسب مشارکت مردم هر منطقه در امور سیاسی و عمومی، آنها را در سرنوشت ملی شریک کرده و نهایتاً زمینه توجه به مطالبات مردمی را فراهم کند.



شکل شماره ۳. الگوی رفتاری- مدیریتی مستفاد از قانون اساسی ناظر به مدیریت تنوعات قومی-اجتماعی

بدیهی است به دلیل ماهیت مفاهیم به کاررفته در قانون اساسی که اساساً به دلیل آنکه قانون اساسی، قانون مادر محسوب می‌شود و سعی می‌کند کلیات اساسی را ذکر نماید (مجیدی، ۱۳۸۹: ۱۸) و از جزئیات غیر مهم صرف‌نظر می‌کند، به تبع الگوی مستفاد شده نیز حائز این ویژگی است و مفاهیم ذکر شده در آن کلی بوده و به مثابه الگوی راهنما ذکر شده‌اند. گفتنی است اصول مورد اشاره در الگوی ارائه شده در بالا مواردی هستند که در طراحی الگوی عملیاتی و صحنه‌ای مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. در پایان مقایسه‌ای مختصر بین الگوی استخراج شده نگارندگان با الگوهای عمومی مطرح شده برای مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی صورت می‌گیرد:

الف) اولین الگویی که با الگوی معرفی شده در این مقاله مقایسه خواهد شد، «الگوی چند فرهنگ‌گرایی» است. با توجه به اصول مورد اشاره در الگوی ارائه شده در این مقاله ناظر به مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران (شکل شماره ۳)، به نظر می‌رسد این الگو علی‌رغم داشتن نقاط مشترک با الگوی چند فرهنگ‌گرایی با این مدل مدیریت تنوعات قومی تفاوت جوهری دارد، اگرچه الگوی ارائه شده توسط نگارنده مانند الگوی چند فرهنگ‌گرایی عملاً تنوع را پذیرفته و به آن احترام می‌گذارد و تلاش دارد خرده‌فرهنگ‌ها را به نوعی حفظ کند اما از این جهت که چند فرهنگ‌گرایی گرایش‌های ایدئولوژیک و گریز از مرکز دارد و باعث تضعیف همبستگی ملی می‌شود، (کریمی‌مله، ۱۳۸۷: ۱۰۳) با این الگو متفاوت است؛ زیرا همان‌طور که در بندهای مختلف قانون اساسی ایران ذکر شده است، مذهب رسمی کشور مشخص است و آزادی‌های اقوام در چارچوب قانون خواهد بود. از این رو، این دیدگاه افراطی ناظر به فرهنگ‌های مختلف با وجود شباهت، تفاوت‌های اساسی با الگوی ارائه شده در این مقاله دارد.

ب) الگوی دومی که از الگوهای مهم و توانمند در مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی محسوب می‌شود، «الگوی سیاست‌گذاری اجتماعی» است. این مدل قصد دارد با تأکید بر مقوله برابری و عدالت ساختاری، سرمایه‌های اجتماعی نظام سیاسی را حفظ کند و بدون در نظر گرفتن تنوعات قومی و اجتماعی با تأکید بر مقوله شهروندی، بدون تأکید بر ملاحظات دینی، قومی، زبانی، فرهنگی و... سعی در حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی و نهایتاً افزایش همبستگی ملی دارد. تأکید بر کیفیت زندگی، ایجاد نظم و استواری اجتماعی، تحقق برابری، دولت فراگیر، حکمرانی خوب و... از جمله کلیدواژه‌های اصلی این مدل است. (کریمی و قاسمی طوسی، ۱۳۹۳: ۳۱) اما در مقام مقایسه باید گفت، مدل مستفاد از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از این مدل پیشرفته‌تر است؛ زیرا ضمن تأکید بر همبستگی ملی و در مجموع نگاهی وحدت‌گرا نسبت به

رابطه اقوام و اقلیت‌ها با دولت مرکزی، تنوعات آن‌ها را قبول دارد و با حفظ احترام به داشته‌های زبانی، فرهنگی، تاریخی و دینی یک قوم در طول تاریخ با انگاره‌های انسانی ریشه‌دار در دین سعی در رشد و تعالی آن‌ها از دید معنوی و مادی دارد و تحت عناوین زیبایی چون حق شهروندی، زبان و آیین‌های اقلیت‌ها را نادیده نمی‌گیرد.

پ) یکی دیگر از دیدگاه‌های مطرح در زمینه مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی، «مدل ترتیبات نهادی» است که با نوعی نگاه دموکراسی انجمنی قصد دارد، اقوام و گروه‌های قومی-دینی را برحسب جمعیت آن‌ها در صحنه اجتماع به میدان آورد (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴) که نمونه آن در لبنان و اخیراً در عراق قابل مشاهده است. همان‌طور که ذکر شد نگاه قانون اساسی ایران به مشارکت سیاسی اقوام دو گونه است؛ مشارکت سیاسی در سطح ملی و در سطح محلی. قانون شوراها راه را برای مشارکت آحاد ملت در منطقه محل سکونت خود فراهم کرده است؛ در عین حال با نگاهی جمعیتی قصد ندارد جمعیت را چندپاره در یک رقابت نافرجام دائمی قرار دهد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های ارزشمند آن در توجه منطقی به حقوق اقلیت‌های قومی، مذهبی و همچنین مدیریت مبتنی بر انصاف تنوعات قومی، مذهبی و فراهم کردن زمینه‌های پاسخگویی مثبت به مطالبات قانونی آن‌ها می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

اول) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز قانونی کارآمد و مترقی است و با درون‌مایه‌های توحیدی، اسلامی و انسانی خود، برخوردی تماماً انسانی با آحاد ملت فارغ از رنگ، نژاد، قومیت، دین و مذهب داشته و تنها به رفع موانع تبعیض بسنده نکرده است؛ بلکه بر ضرورت تامین حقوق گروه‌های مختلف اجتماعی تاکید دارد.

دوم) قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران با برخی از اصول مترقی خود نظیر؛ قانون شوراها (اصل ۱۰۰) و قانون شورای عالی استان‌ها (اصل ۱۰۱) ضمن آزادی دادن به اقوام در اجرای مناسک و استفاده از زبان و فرهنگ محلی خود، فضا را برای مدیریت بومی و مشارکت در تصمیمات سیاسی، فرهنگی، دینی و اقتصادی در سطح استان‌ها کاملاً مهیا کرده است.

سوم) قانون اساسی ایران، نگاهی کثرت‌گرایانه و منطقی به اقوام و تنوعات اجتماعی دارد. در جریان مدیریت تنوعات اجتماعی از طرفی راهبرد رفع هرگونه تبعیض، نابرابری و عدالت‌گستری را

در نظر گرفته است و از طرف دیگر با مشارکت دادن اقوام در سرنوشت سیاسی خود چه در سطح ملی (حق انتخاب شدن به نمایندگی از مجلس و حق انتخاب کردن در تمامی انتخابات) و چه در سطح محلی (قانون شوراها و تشکیل شوراهای عالی استان‌ها) ضمن قبول اصل تنوع و میدان دادن به عناصر و مصادیق این تنوع برای حفظ و ظهور و بروز آن، به‌عنوان حق طبیعی، در مجموع به دنبال یک مدل وحدت محور دین‌مدار و در عین حال کثرت‌گرا است.

در مجموع می‌توان صرف‌نظر از رویکردهای مورد اشاره در بالا، دو دسته کلی از موضوعات ناظر به مدیریت تنوعات قومی و اجتماعی در حقوق اساسی ایران استخراج کرد. یک دسته مواردی هستند که در جهت رفع موارد سلبی مانند (سلطه، نابرابری، تبعیض و عدم احترام به ادیان و مذاهب، زبان‌ها، قومیت‌ها و...) عمل می‌کنند. دسته دیگر مواردی هستند که به‌عنوان کاربست موارد ایجابی عمل می‌کنند (مواردی از قبیل سهیم کردن همه آحاد در سرنوشت کشور از طریق مشارکت سیاسی، حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن، واگذاری امور محلی به شوراها و...) افزایش ظرفیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، انعطاف‌پذیری مثبت و پیشرفت هم‌زمان در رفع موارد سلبی و بسط موارد ایجابی می‌تواند به کارآمدی سیاست‌های حوزه مدیریت تنوعات اجتماعی و فرهنگی در کشور منجر شده و بارقه‌های امید، نشاط، همدلی و همگرایی، وحدت، همبستگی و وفاق را در میان اقوام و پیروان ادیان و مذاهب گوناگون گسترش داده و زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را در جمهوری اسلامی ایران فراهم آورد.

## References

- Ahmadi, Hamid (2004): Iran: identity, nationality, ethnicity (collection of articles), Institute for Research and Development in Humanities, Tehran: Institute for Research and Development in Humanities. (In Persian)
- Alipour, Hamid & Rezaei, Ahmad and Karimi Male, Ali (2017): Transition to democracy and Ethnic Conflict's Raising and Failing, Research in Theoretical Politics, Volume 12, Issue 21, PP. 116-85. (In Persian)
- Fazli Khani, Akram (2017): "The study of the rights of minorities in the West and Iran", Human Rights Research Letter, Volume 2, Issue 7. (In Persian)



- Haghpanah, jafar (2015): “Ethnic Policy Making in Iran: Process and Effective Factors”, Summer, Volume 1, Issue 2, Number 2. (In Persian)
- Karimi, Ali (1387): Political management in multicultural societies, Tehran: Islamic Consultative Assembly, Research Center. (In Persian)
- Karimi, Ali and Ghasemi Tusi, Somayeh (2014): “Social Policy & National Identity Making; Inclusiveness of Macro Social Policies in the Constitution of the Islamic Republic of Iran”, National Studies, Volume 15, Issue 2. (In Persian)
- Kazemi Tari, Taqi (1389): Aspects and dimensions of security of ethnicities and religions, (Vol. 1). Tehran: Imam Hossein University. (In Persian)
- kohnehposhi, Seyed Mosleh (2004): “Ethnic discrimination in Kurdistan (after the Islamic Revolution of 1978)”, Zaribar Quarterly, No. 55. (In Persian)
- Maghsoodi, Mojtaba (2000): “Indonesia: Lessons from the Solidarity crisis”, National Studies, Summer, Issue 4, PP. 121-148. (In Persian)
- Majidi, Mohammad Reza (2010). Familiarity with the Constitution of the Islamic Republic of Iran (Constitutional Rights of the Islamic Republic of Iran), Qom: Representation of the Supreme Leader in universities, Maaref Publishing Office. (In Persian)
- Mansour, Jahangir (1388): Constitution of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Doran. (In Persian)
- Salehi Amiri, Seyed Reza (2009): “Ethnic conflict management in Iran”, (Expediency Discernment Council). Tehran: Expediency Discernment Council. (In Persian)
- SeyedEmami, Kavous and Houshangi, Hamid (2016): “Policy Making for Ethnic Diversity in the Islamic Republic of Iran: Vision, Objectives and Proposed Policies”, National Studies, Volume 17, Issue 2, PP. 3-22. (In Persian)
- Tarabi, Yusuf (2009): Policies of the Islamic Republic in the management of social diversity, Political Science, Tehran: Imam Sadegh University. (In Persian)
- The Website of the Bahá'í knowledge (2014): “Baha'i population of Iran” Retrieved February 10, 2017, from <http://bahaiat.com/>. (In Persian)

- Torabi, Yosef (2009): “The Islamic Republic’s Policies towards Social Diversities Management”, Political Knowledge, Winter and Spring, Volume 5, Issue 1, Serial Number 9. (In Persian)
- Torabi, Yosef (2009): “The Islamic Republic’s Policies towards Social Diversities Management”, Collection of Articles on Politics and Government in the Islamic Republic of Iran, By Gholamreza KhajehSarvi, Imam Sadegh University Press. (In Persian)
- Zahed Zahedani, Seyed Saeed and Salamiy, Mohammad Ali (2015): Baha'is in Iran, Tehran: Islamic Revolutionary Documentation Center. (In Persian)
- Zandi, Ebrahim (2001): Ethnic Crisis and National Unity: A Model of Ethnic Policy in the Islamic Republic of Iran, Tehran: Institute for Research and Development of Humanities. (In Persian)